

این، آفرینش خداست، پس به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند، چه آفریدند؟

تعادل طبیعت زیباست! خداوند برای طبیعت نظمی آفرید که بر تمام موجودات از گیاه و حیوان و موجودات دیگر که از یکدیگر تغذیه می کنند، حاکم شود؛ در نتیجه تعادل و آرامش و ثبات در آن تحقق یابد. و هرگونه ناهماهنگی در نظم آن به ویران کردنش و مرگ کسی که در آن است منجر می شود.

از جمله تهدیدکنندگان نظم طبیعت :

- آلودگی هوا که باعث باران های اسیدی می شود.
- زیاده روی در به کارگیری از بین برنده های کشاورزی و کودهای شیمیایی
- ایجاد زباله های صنعتی و خانگی

تعادل در طبیعت از راه وجود روابط درهم تنیده بین موجودات زنده و محیط زیستشان انجام می پذیرد، اما انسان در فعالیت هایش که موجب (منجر، باعث) به هم خوردن این تعادل می شود، به طور وسیعی به طبیعت ستم کرد.

اینک باید این داستان را به طور دقیق بخوانیم تا بر کارهای ویرانگر انسان نسبت به محیط زیست آگاهی یابیم:

حکایت می شود (آورده اند) که کشاورزی مزرعه (کشتزار) بزرگی داشت که در آن سبزیجات و درختان زیادی بود و در کشتزارش انواع پرندگان را پرورش می داد. روزی کشاورز ملاحظه کرد که تعداد جوجه های پرندگان به تدریج (کم کم) کم می شود. کشاورز درحالی که شب و روز از مزرعه مراقبت می کرد، شروع به فکر کردن در مورد علت آن کرد و دریافت (متوجه شد) که تعدادی از جغدها (چندجغد) نزدیک مزرعه زندگی می کنند و به جوجه ها زیاد حمله می کنند و آن ها را می خورند. پس کشاورز تصمیم گرفت که از آن ها رهایی یابد و این چنین عمل کرد (همین کار را کرد).

پس از چند ماه کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات مزرعه در معرض خوردن و تباهی (از بین رفتن) قرار می گیرد و وقتی که از این مسأله به شدت مراقبت کرد (هنگامی که به شدت مراقب موضوع بود) دریافت (متوجه شد) که مجموعه ی بزرگی از موش های کشتزار به سبزیجات حمله می کنند و آن ها را می خورند.

کشاورز شروع به اندیشیدن کرد: "چرا تعداد موش های کشتزار بسیار زیاد شد؟"

پس نزد کارشناس کشاورزی رفت و از او مشورت خواست. کارشناس به او گفت: "آن چطور ممکن است؟ درحالی که جغدهای بسیاری در منطقه ی شما وجود دارند."

کشاورز به او گفت: "من با کشتن تعداد زیادی از جغدها از آن ها رهایی یافتم."

کارشناس گفت: " تو مانند ستمگران به نظام طبیعت دست درازی کردی، زیرا جغدها علاوه بر جوجه ها از موش های کشتزار تغذیه می کردند و پس از رهایی از بیشتر جغدها تعداد موش های کشتزار افزایش یافت. بر تو واجب بود (تو می باید) این اشتباه را با مراقبت از پرندگان اصلاح می کردی نه با کشتن جغدها؛ پس اگر اوضاع این طور ادامه یابد، مشکلات جدیدی را در محیط زیستی که در آن زندگی می کنی به طور دردناکی مشاهده خواهی کرد."

و این چنین کشاورز تصمیم گرفت که از جوجه ها مراقبت کند و به جغدها اجازه ی ورود به مزرعه اش را بدهد . پس تعدادشان یک بار دیگر زیاد شد و موش های کشتزار را خوردند و محیط زیست به حالت طبیعی برگشت.

### ص. نکات ویژه نامه

-أروني: نشانم دهید. أروا: فعل امرزباب إفعال +ن وقایه + ي

- رَأَى يَرَى: دیدن أرى يَرى أرى إراءة: نشان دادن (دومفعولی است). (به امرآن نیازی نداریم!)

-الاستقرار: آرامش و ثبات، آرامش یافتن، حروف اصلی: ق ر ر ، مصدر باب استفعال: اسْتَقَرَّ يَسْتَقِرُّ استقرار (به امرآن نیازی نداریم!)

-الأسْمدة: کودها، مفرد: السَّماد

-اطَّلَعَ: آگاهی یافت، مطلع شد = عَرَفَ، عَلِمَ. حروف اصلی: ط ل ع، ماضی باب افتعال است.: اَطَّلَعَ يَطَّلِعُ اَطَّلَعَ

-الأفراخ: جوجه ها، مفرد: الفَرْخ الأفراخ=الفراخ \*فَرَّخَ: دو جمع مکسر دارد: أفراخ، فراخ

-الإكثار: بسیارگردانیدن، زیاده روی ≠ الإقلال، التقليل، حروف اصلی: ك ث ر، مصدر باب إفعال: أَكْثَرَ يَكْثُرُ أَكْثَرَ إكثار -البيئة: محیط زیست، محیط

-تَحَقَّقَ: تحقق یافت، حروف اصلی: ح ق ق ق، ماضی باب تفعل: تَحَقَّقَ يَتَحَقَّقُ تَحَقَّقَ تَحَقَّقَ

-حَقَّقَ: مُحَقَّقٌ ساخت، به تحقیق رساند، عملی کرد، ماضی باب تفعیل: حَقَّقَ يُحَقِّقُ حَقَّقَ تَحْقِيقٌ

-تَعَدَّى: دست درازی کرد، حروف اصلی: ع د ي، ماضی باب تفعل: تَعَدَّى يَتَعَدَّى تَعَدَّى (به امرآن نیازی نداریم!)

-تَعَرَّضَ: در معرض قرار گرفت، حروف اصلی: ع ر ض، ماضی باب تفعل: تَعَرَّضَ يَتَعَرَّضُ تَعَرَّضَ تَعَرَّضَ

-تَغَدَّى: تغذیه کرد = عَاشَ عَلَى..، حروف اصلی: غ ذ ي، ماضی باب تفعل: تَغَدَّى يَتَغَدَّى تَغَدَّى (به امرآن نیازی نداریم!)

\*تَوَجَّهَ: تَعَدَّى با تَعَدَّى اشتباه نشود.

-التَّلَوُّثُ: آلودگی، آلوده شدن، کثیفی، حروف اصلی: ل و ث، مصدر باب تفعل: تَلَوَّثَ يَتَلَوَّثُ تَلَوَّثَ تَلَوَّثَ

-التَّوَاظُنُّ: تعادل. حروف اصلی: و ز ن، مصدر باب تفاعل: تَوَاظَنَ يَتَوَاظَنُ تَوَاظَنُ تَوَاظَنُ

-الحقل: کشتزار = المَزْرَعَة. جمع: الحُقُول

- الحَمْضِيَّة: اسیدی

- الحَامِض: تُرْش

- الخَبِير: کارشناس، جمع: الخُبْرَاء

- الخَضْرَاوَات: سبزیجات - الأَخْضَر و الخَضْرَاء : سبز

- رَاقِب: مراقبت کرد = حَافِظٌ ، حروف اصلی: ر ق ب، ماضی باب مفاعلة: رَاقِبٌ يُرَاقِبُ رَاقِبٌ مَرَاقِبَةٌ

- رَبَّيْ: پرورش داد، حروف اصلی: ر ب ی، ماضی باب تفعیل: رَبَّيْ يَرَّبِيْ امر: رَبٌّ مصدر: تربية

- السَّمَّاح ل: اجازه دادن به ... مصدر ثلاثی مجرد است. سَمَّحَ يَسَمِّحُ اسَمَّحَ سَمَّاح \* با سَبَّحَ يَسْبِحُ (شناکردن) اشتباه نشود.

- عَاشَ عَلَى: تغذیه کرد، (باچیزی) زندگی را سپری کرد = تَعَدَّى - عَاشَ: زندگی کرد. - تَعَايَشَ: هم زیستی کرد

يَعِيشُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ: از یکدیگر تغذیه می کنند.

- الفِئْرَان: موش ها، جمع فَأْر / یک موش: فَأْرَةٌ \* مفرد: فَأْر مثنی: فَأْرَانِ فَأْرَيْنِ جمع: فِئْرَان

- قَرَّرَ: تصمیم گرفت، قرار گذاشت، حروف اصلی: ق ر ر، ماضی باب تفعیل است: قَرَّرَ يَقَرِّرُ قَرَّرٌ تَقْرِيرٌ

- الكائنات: موجودات

- المُرَّارِع: کشاورز = الفَّلَّاح، الزَّارِع

- المُهَدِّد: تهدید کننده، اسم فاعل باب تفعیل. هَدَّدَ يَهْدِدُ هَدِّدٌ تَهْدِيدٌ

- مَوْلِم: درد آور، دردناک، اسم فاعل باب افعال.

- هُنَاكَ: آن جا، وجود دارد (قبلاً توضیح داده شده).

### ص. ۵۸ : درك مطلب :

ص. ۵۸ / حول النص / أ : مطابق با متن درس درس و نادرست را مشخص کن:

۱. روابط درهم تنیده بین موجودات زنده و محیط زیستشان منجر به ناهماهنگی تعادل در طبیعت می شود. صحیح

۲. کشاورز مزرعه ای در شمال ایران داشت که در آن برنج می کاشت. نادرست

۳. کشاورز گمان کرد که این جغدها هستند که جوجه های پرندگان را می خورند. صحیح

۴. کشاورز به روباهان اجازه نداد که به مزرعه اش وارد شوند. نادرست

۵. کشاورز پرندگان و جغدها را در مزرعه اش پرورش می داد. نادرست

۶. سرانجام کشاورز از پرندگان و جوجه هایشان مراقبت کرد. صحیح

۷. زباله های صنعتی تهدیدی برای نظم طبیعت به شمار می روند. صحیح

ص. ۵۸ / حول النص / ب : برای جای خالی کلمه ی درست را انتخاب کن:

۱. شهور/پس از چند ماه کشاورز مشاهده کرد که سبزیجات در مزرعه دستخوش خوردن وتباهی می شود (در معرض قرار می گیرند).

۲. الفئران / گروه بزرگی از موش ها به سبزیجات حمله می کردند و آن ها را می خوردند.
۳. التوازن / تغذیه ی حیوانات از همدیگر (یکدیگر) به وجود آوردن تعادل در طبیعت را محقق می سازد.
۴. موت / هرگونه آسیبی در نظم (نظام) طبیعت، منجر به ویران سازی آن و مرگ هرکه در آن است، می شود.
۵. يُهدد / ایجاد زباله های صنعتی و خانگی، نظم (نظام) طبیعت را تهدید می کند.
۶. اختلال / دخالت انسان در امور طبیعت، منجر به برهم خوردن تعادل آن می شود.
۷. قتل / کشاورز، در کشتزارش طبیعت را با کشتن جغدهای آن تهدید کرد.

### ص. ۴۴: التمرین الأول:

ازواژه نامه درس کلمه مناسبی برای توضیحات زیر مشخص کن:

۱. انواعی از گیاهانی که انسان با آن ها تغذیه می کند. خَضراوات (سبزیجات)
۲. زمینی پهناور و سبز که انواع محصول ها در آن کشت می شود. حَقْل
۳. دانشمندی باتخصص در مسائل شغل یا کار یا برنامه ای. خَبِير
۴. موادّ شیمیایی و طبیعی برای تقویت کردن خاکِ ضعیف. اُسْمَدَة
۵. حیوان کوچکی که زیرزمین زندگی می کند و بیماری طاعون را منتقل می نماید؛ گربه ازدشمنانش است. قَأْر

### ص. ۵۳: نکات متن درس

- هذا: مبتدا، خَلَقَ: خبر (ازنوع اسم)، الله: مضاف إليه، أروا: فعل امر و فاعل آن واو، ن: نون وقایه، ي: مفعول، ماذا: مفعول

مقدم خَلَقَ، خَلَقَ: فعل، الذین: فاعل، من دون: جارومجرور، ه: مضاف إليه

ص. ۵۴:

- سطر ۱ و ۲: يَحْكُمُ: فعل و صفت برای نظاماً، جميع: مفعول، أُخْرِي: صفت کائنات، يَعِيشُ: فعل و صفت برای کائنات

- سطر ۳: أَيْ: مبتدا، خَلَلُ: مضاف إليه، يُؤَدِّي: خبر (ازنوع فعل)، مَنْ: مضاف إليه

- سطر ۴: من مهدّدات: جارومجرور، نظام: مضاف إليه، الطّبيعة: مضاف إليه، حَمْضِيَّة و الزَّرَاعِيَّة و الكِيمِيَاوِيَّة و الصَّنَاعِيَّة: صفت

- سطر آخر: ظلماً: مفعول مطلق نوعی و منصوب، واسعاً: صفت

ص. ۵۵:

- سطر ۱: الآن: قيدزمان، قراءة: مفعول مطلق نوعی، دقيقة: صفت، الإنسان: مضاف إليه، المُخْرَبَة: صفت أفعال، البيئَة: جارومجرور

- سطر ۲: يُحْكِي: فعل مجهول، كَبِيرَة: صفت مَزْرَعَة، فِيهَا خَضْرَاوَات: جمله اسمیه و وصفیه برای مزرعة

-سطر ٣ و ٢: كان: از افعال ناقصه، يُرَبِّي: خبرِ كان، في مَزْرَعَة: جار ومجرور، ه: مضاف إليه، أنواع: مفعول، الطيور: مضاف إليه  
-سطر ٣: ذات: قيد زمان، يوم: مضاف إليه، لاحظ: فعل ماضى، المزارع: فاعل، أن: از حروف مشبهة بالفعل، عدد: اسم أن، أفرأخ:  
مضاف إليه، الطيور: مضاف إليه، ينقص: خبر أن (ازنوع فعل)، تدريجياً: قيد حالت

-سطر ٤: ليلاً: قيد زمان

-سطر ٥: عددًا: اسم أن، تسكن: خبر أن (ازنوع فعل)، قرب: قيد مكان، المزرعة: مضاف إليه، هجومًا: مفعول مطلق نوعى، كبيراً:

صفت

-سطر ٦: قرر: فعل، المزارع: فاعل، التخلّص: مفعول، منها: جار ومجرور

ص. ٥٦:

-سطر ١: بعد: قيد زمان، شهر: مضاف إليه، شاهد: فعل، المزارع: فاعل، أن: از حروف مشبهة بالفعل، الخضراوات: اسم أن، تتعرض:

خبر أن (ازنوع فعل)، للأكل: جار ومجرور

-سطر ٢: لَمَّا: قيد زمان، راقب: فعل، الأمر: مفعول، مراقبة: مفعول مطلق نوعى، شديدة: صفت، تهجم: خبر أن (ازنوع فعل)

-سطر ٤: لماذا: جار ومجرور، ازداد: فعل، عدد: فاعل، فئران: مضاف إليه، الحقل: مضاف إليه، ازديادًا: مفعول مطلق نوعى، كبيراً: صفت

-سطر ٥: الزراعة: مضاف إليه، استشار: فعل، ه: مفعول

-سطر ٨: إن: از حروف مشبهة بالفعل، ك: اسم إن، تعديت: خبر إن (ازنوع فعل)، تعدّي: مفعول مطلق نوعى، الظالمين: مضاف إليه

-سطر ١٠: كان: از افعال ناقصه، الواجب: اسم كان، عليك: جار ومجرور، تصحيح: خبر كان، هذا: مضاف إليه، بالحفاظ: جار ومجرور

(خود حفاظ مصدر باب مفاعلة است.)

-سطر ١١: إن: ادات شرط، استمرت: فعل شرط، الحالة: فاعل، ف: حرف جواب، ستشاهد: جواب شرط، مشاكل: مفعول، جديدة:

صفت، في البيئته: جار ومجرور، تعيش: فعل، فيها: جار ومجرور، مشاهدة: مفعول مطلق نوعى، برأى ستشاهد، مؤلمة: صفت

-سطر ١٣: قرر: فعل، المزارع: فاعل، الحفاظ: مفعول

-سطر ١٤: بدخول: جار ومجرور، مزرعة: مضاف إليه، ه: مضاف إليه، ازداد: فعل، عدد: فاعل، ها: مضاف إليه، مرة: قيد زمان،

أخرى: صفت، أكلت: فعل، فئران: مفعول، الحقل: مضاف إليه

-سطر ١٥: عادت: فعل، البيئته: فاعل، إلى حالة: جار ومجرور، الطبيعية: صفت

والسلام

حقيقي